

# آسیب ها و چالش های حکومتداری در افغانستان

شریف احمدی



باهویت ملی. این در حالی است که مناقشات مرزی یکی از مهم ترین چالش های کشورهای پسا استعماری است. افغانستان هنوز با بحران مرزی مواجه است. دیورند متاسفانه تاکنون به عنوان یک غده سرطانی هرازگاهی سر باز می کند. کشورهای افغانستان و پاکستان هیچ کدام دنبال راه حل سیاسی برای خاتمه بخشیدن به مساله دیورند نیستند. همچنین افغانستان در حوزه شمالی و غربی نیز ادعاهای مرزی دارد که از سوی همسایگان رد می شود. بنا براین تثبیت مرزهای جغرافیایی از مهم ترین گام هایی است که کشورهای جهان سوم به ویژه افغانستان آن را سپری کند و به این صورت بخشی از مشکل بزرگ حل خواهد شد.

سختن آخر این که، دولت ملی دارای ساختاری بسبب پیچیده و کارکردهای متعدد است. به رغم نیاز همه جوامع به انگاره ای به نام دولت ملی، در برخی از کشورها، عملاً چیزی به نام دولت واقعا ملی دور از تصور است. چنانچه در فوق مورد واکاوی قرار گرفت، عوامل و دلایل مختلفی در شکست تجربه دولت سازی دخیل است که از مهم ترین آن زمانبر بودن فرایند دولت سازی، چند عاملی بودن این روند، ظرفیت های فرهنگی و اقتصادی و نقش موثر نخبگان را می توان نام برد. مادامی که کشورها به یک طرح جامع و معقول و با توجه به ساختار فرهنگی و سیاسی جامعه و همچنان ظرفیت های اقتصادی به ایجاد چنین ساختاری اقدام نکنند، در مسیر راه و با توجه به مرحله جانش های چند بعدی و حتی انتزاعی این روند بنا ناکامی و شکست مواجه خواهد شد. به این اساس بر نخبگان و کارگزاران سیاسی کشور لازم است با مطالعه عمیق و زیربنایی جامعه افغانستان و با درک و درایت به وجود اقتدار ملی در سطح بین المللی به دور از هرگونه نقض غرض ای شخص و ستمی، به این مهم بپردازند. چنین روندی با توجه به نکات و تگرش های به تذکار رفته امری است حتمی که مورد استقبال مردم و اقتدار مختلف جامعه نیز قرار خواهد گرفت.

موقفیت آمیزی نداشته اند؟ در واقع امر اصطلاحات شبهه دولت، دولت پسا استعماری، دولت های ناکام و ضعیف نشان از ناکارآمدی واحدهای کشوری در جهان معاصر است. طبیعی است که به دلیل ماهیت مکمل این دو بخش از کشورها یکسان و به یک میزان نیست. این امر وابسته به موقعیت ژئوپلیتیکی، اوضاع فرهنگی و اقتصادی داخلی، نزدیکی و دوری به کانون های قدرت و دیرینگی منازعات درونی جوامع، متفاوت است. با این وجود در این بخش چالش های موجود فراراه دولت سازی در افغانستان را بررسی می کنیم. تهدید های دولت سازی را در یک دسته بندی کلان به دو شکل داخلی و خارجی می توان تقسیم کرد. این دو دسته عوامل در عین حالی که به دلیل ماهیت مرزی کشورهای ملی، ازهم متمایز هستند، اما در عین حال در هم تنیده و مکمل اند. همان گونه که نقش نیروهای داخلی برای استقرار دولت ملی و نهادینه کردن این روند، با الزامات بیرونی در هم تنیده است،

سازی اهداف متعدد و متفاوتی دارد، شاید مهم ترین آن ایجاد نظم، امنیت، رفاه و تداوم بقای یک واحد کشوری باشد. نظم ساختار اصلی ملت هارا تثبیت می کند. دولت ملی اولین ساخت معقول و قانونی است که وظیفه کاربرد خشونت را از آن خود کرده است. این امتیاز در واقع امر، خود برای برچیدن خشونت هایی پراکنده غیر قانونی در جامعه است. با امتیاز انحصاری کاربرد خشونت دولت ها قادر شدند، گلیم بی نظمی و هرج مسرج را از درون اجتماع برچینند و آن را در نهاد خاصی متمرکز سازند. بدیده امنیت نیز بی ارتباط با ایجاد نظم و تحکیم یک پارچگی ملی نیست. تداوم نظم و رفتارهای معطوف به مقررات وضع شده خود عامل اصلی تأمین ثبات در کشورها است. رفاه و تداوم بقا نیز هر کدام از کارکردهای مهم دولت ملی است که برای سامان بخشی به حیات اجتماعی لازم و ضروری هستند.

علاوه بر این، توزیع تذکره های الکترونیکی می تواند به عنوان نشانی از عمل کردن حکومت به وعده هایش باشد. شهروندان افغانستان همواره رهبران حکومت وحدت ملی را منتهم کرده اند که به وعده های که در دوران کمپاین های انتخاباتی به آنها داده اند عمل نکرده اند. تحقق نیافتن وعده های که رهبران حکومت به مردم داده بودند، باعث شده است که اعتماد مردم به حکومت کاهش یابد و بسیاری از مردم از عملکرد حکومت ناراضی باشند. اما در صورتیکه حکومت وحدت ملی بتواند تذکره های الکترونیکی را طبق برنامه توزیع کند، دوباره اعتماد مردم را بدست خواهد آورد و امیدواری ها نسبت به آینده در بین شهروندان کشور افزایش خواهد یافت.

توزیع تذکره های الکترونیکی می تواند به عنوان نشانی از عمل کردن حکومت به وعده هایش باشد. شهروندان افغانستان همواره رهبران حکومت وحدت ملی را منتهم کرده اند که به وعده های که در دوران کمپاین های انتخاباتی به آنها داده اند عمل نکرده اند. تحقق نیافتن وعده های که رهبران حکومت به مردم داده بودند، باعث شده است که اعتماد مردم به حکومت کاهش یابد و بسیاری از مردم از عملکرد حکومت ناراضی باشند. اما در صورتیکه حکومت وحدت ملی بتواند تذکره های الکترونیکی را طبق برنامه توزیع کند، دوباره اعتماد مردم را بدست خواهد آورد و امیدواری ها نسبت به آینده در بین شهروندان کشور افزایش خواهد یافت.

## سیر تحول عکاسی در افغانستان

نوروز رجا قسمت سوم



مکتر شده است. پس از آن که عکاسی دیجیتال شده است، مردم در عکاسخانه ها فقط برای گرفتن عکس های تذکره ، پاسپورت و عکس های اداری مراجعه میکنند. کمتر کسی پیدا می شود که به خاطر گرفتن عکس های شوقی و یاد گاری در عکاسخانه ها بیایند. در گذشته، ما در هفته ۱۰۰ تا ۳۰۰ عکس شوقی و یاد گاری میگرفتیم اما حالا هفته پنج نفر هم حاضر نمی شود که با خانواده اش بیاید در عکاسخانه عکس یاد گاری بگیرند. حالا عکاسی همه گانی شده مردم با مایل عکس میگردند و توسط پرتر چاپ میکنند. بعضی از عکاسخانه ها، بعد از کمپوتری شدن عکاسی بند و بساط شان را جمع کردند، چون کسب و کار عکاسی کساد شد.

اما اسدالله صاحب عکاسی سنگرش میگوید: در دوره دیجیتال ، عکس همه گانی شد و کیفیت بلند رفت سرعت بوجود آمد اما ضعف ماشینی شدن عکاسی این است که به کیفیت عکس توجه نمی شود چون هر کسی که کمره دارد عکاسی میکند، بدونیکه آموزش دیده باشند. کسانی که سالها عکاسی کرده بود و بصورت حرفه ای هنر عکاسی را آموخته بودند کم کم رفتند شغلی دیگری انتخاب کردند که عاید بیشتری داشته باشند. در دوره عکاسی فوری برای عکاسی سرمایه زیاد کار نبود، اما حالا بدون سرمایه هنگفت وامکانات فوری «صندوقچه ای» خبری نیست، در این عکاسخانه ها هندو وسیکها هم نیستند که از مراجعین عکس بگیرند، عکس های هنری و تاریخی نیز کمتر گرفته می شود، عکاسخانه بیشتر وسیله نان پیداکردن شده است. محمد احسان، صاحب عکاسی میوند در جاده میوند میگوید: در گذشته هم عکاسان حرفه ای بودند وهم مردم عکس را می شناختند وعلاقه مند به عکس های هنری بود، عکاسان از شغل خود وزحمتی که روی عکس می کشیدن لذت می بردند. آنان روی جنبه هنری عکس تا مفساد آن توجه داشتند، اما حالا عکاسی ماشینی شده، روی عکس زحمت لازم کشیده نمی شود به همین اساس از کارم مثل دوره کمره های فوری لذت نمی برم. باوجودیکه در عکاسی سهولت آمده وعکاسی آسان شده اما مراجعه مردم وخانواده ها در استودیوهای عکاسی

که برخی شان تاهنوز از خاطره های سفر درولایت های شمال، جنوب ومركز افغانستان به شیرینی یاد میکنند. با وجودیکه در گذشته عکاسی سیاه وسفید بود، اما علاقه مندی باشندگان کابل به گرفتن عکس های یاد گاری وفیس کاری بیشتر بود. تعداد زیاد از مردم ، برخی ها با فامیل های شان به عکاسخانه ها واستودیوهای عکاسی مراجعه میکردند وعکس میگرفتند. در آن دوره عکاسی سهولت فعلی را نداشت، عکاسان همه فعالیت های عکاسی را با دست انجام میدادند، مثل پرداز کاری ، روتوش وپنسیل کاری. عکاسان کوشش می کردند با ظاهر نمودن عکس های مرغوب وباقیفت، هنر شان را به نمایش بگذارند، آنان با انجام طرافت کاری های شان از کارشان لذت می بردند. حالا عکاسی همگانی وآسان شده است، هرکس کمره دارد عکس میگردد ونوسط پرتر چاپ میکند، اما در گذشته یک نفر چندین سال شاگردی میکرد تا عکاسی را یاد میگرفت، کسی که میخواست عکاسی را یاد بگیرد از دوران کودکی شاگردی میکرد وچند سال را فیچی کاری، پنسیل کاری، روتوش وظاهر کردن عکس را تمرین میکرد تا عکاس ماهر می شد. در زمان حکومت داود خان عکاسی رشد بیشتر یافت. در آن دوره سه نوع عکاسی وجود داشت، عکاسی آزاد که برخی خودش کمره داشت، دوم عکاسی فوری بود که روی کاغذ عادی سیاه وسفید چاپ می شد وسوم عکس برقی بود که

امان الله خان بود که فتون عکاسی را در لندن آموزش دیده بود و دیگری مامور محمد شاه بود که عکاسی را در ترکیه آموخته بود اینها نیز عکاسان در بار بودند که برای ارک عکاسی میکردند. نسل سوم عکاسان کابل که تعداد شان بسیار زیاد میباشد شامل امان عکاس، خانیچ هندو، گل افغان، افندی، گل محمد، گیسوک هندو، دوست محمد وامام الدین بودند. اینها در جاده های و برخی شان در پیاده روها به صورت سیار از مردم عکس میگفتند، عکاسان نسل سوم گاهی به دستور حکومت ورفع نیاز مردم وگرفتن عکس های تذکره با کمره های صندوقچه ای شان درولایت ها سفر میکردند واز مردم عکس میگرفتند و گاهی هم از طرف مردم دیگر مناطق برای گرفتن عکس دعوت می شدند. عکاسی در گذشته درسال های نخست، عکاسی در کابل شغل اشرافی ومعتبر بود، عکاسان برعلاوه که از بابت عکاسی عواید خوبی داشتند از جایگاه ومنزلت عالی در اجتماع برخوردار بودند وکسانی که بافتون عکاسی آشنایی داشتند جزء بهترین ها به حساب می آمدند. در آن زمان عکاس کم نبود، آنان با همان کمره فوری «صندوقچه ای» شان از طرف دولت به ولایت ها برای عکاسی فرستاده می شدند. سفر عکاسان از کابل به ولایت ها برای شان خاطره انگیز بود ویک دست آورد عالی محسوب می شد

برخی عکاسان قدیم کابل در ابتدا مردم عادی ورعیت به فتون عکاسی دسترسی نداشتند، اولین عکاسان کابل شاهزادگان وکارمندان ارگ بودند؛ سه نسل را دربرگرفت تا عکاسی از انحصار ارگ بر آمد و همگانی شد؛ نسل اول عکاسان کابل میر حسام الدین رسام؛ از سادات غزنی، همراه با دو برادرش میر عبدالرزاق و سید جواد و نیز دو غلام بچه دربار به نام های امان بیگ شغنائی و محمد ایوب خان ایلخانی هزاره از اولین کسانی بودند که با فتون عکاسی آشنا شدند اینها عکاسان داخل ارگ بودند. نسل دوم عکاسان کابل صاحبدا، عکاس رسمی



کارتون روز بدون شرح

افغانستان The Daily Afghanistan Ma
روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com
مدیرمسئول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دواین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷